

Recognizing the place of Saudiness and the correctness of days in the Islamic lifestyle

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Ruhollah Mohammad Alinejad Omran

How to cite this article

Ruhollah Mohammad Alinejad Imran, Recognizing the place of Saudiness and the correctness of days in the Islamic lifestyle; *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2023;7(1):498-502.

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (corresponding author).

*** Correspondence:**

Address:

Phone:

Email: alinejad@atu.ac.ir

Article History

Received: 2021/07/18

Accepted: 2023/05/06

ABSTRACT

Purpose: In the Holy Qur'an and the traditions of the innocents (peace be upon them), it is mentioned about Masoud and the desolation of certain days and nights. Determinism in knowing auspicious or inauspicious days has destructive effects on human psyche and lifestyle. Considering the effects of mental pressures arising from this thought for the society, in this study, the application of the concept of Saad and Nahs in verses and narrations was investigated.

Materials and methods: This descriptive-analytical study was carried out from the examination of verses 16 of Surah Mubarakah, 19 of Qamar, 3 of Dukhan and 35 of Rahman in authentic Shia interpretations, especially the interpretation of Al-Mizan by Allameh Tabatabai, as well as referring to narrative sources and philosophical and theological texts.

Findings: There is a significant relationship between the concept of predestination and free will with mental health and lifestyle. Also, there is an inverse relationship between the correct meaning derived from the verses of the Qur'an and the traditions of the infallibles (peace be upon them) in the matter of Saudah and the correctness of days with despair and depression.

Conclusion: After examining the use of Saad and Nahs in verses and traditions, it can be said that being Saad and Nahs is not related to the era itself. Rather, two ways can be expressed for Masoud or the evilness of the times: First, it is a sign of actions and events that happened in a particular time and caused it to be blessed and unblessed. This means that on every day and night that disobedience to the divine orders is done, that day or night will be sad, and if obedience to the divine order is done, that day or night will be blessed and happy. Second, each person is happy or sad according to what happens to him on a particular day or night. This means that if divine punishment descends on him, he will be sad and if divine mercy descends on him, he will be happy. Therefore, some references to the happiness or sadness of the times have an educational aspect and are meant to make people pay attention and learn from past events.

Keywords: Saad, Nahs, Narration, Tafal, Tatayir, Lifestyle

بازشناخت جایگاه سعادت و نحوست ایام در سبک

زندگی اسلامی

روح‌الله محمدعلی نژاد عمران

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: در قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم السلام) به مسعود و منحوس بودن برخی روزها و شب‌ها اشاره شده است. جبرانگاری در مبارک و یا نامیمون دانستن ایام، آثار مخربی بر روان و سبک زندگی انسان می‌گذارد. با توجه به عوارض فشارهای روانی برآمده از این اندیشه برای جامعه، در این مطالعه کاربرست مفهوم سعد و نحس در آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی از محل بررسی آیات ۱۶ سوره مبارکه فصلت، ۱۹ قمر، ۳ دخان و ۳۵ رحمن در تفاسیر معتبر شیعه به‌ویژه تفسیر المیزان علامه طباطبائی و نیز مراجعه به منابع روایی و متون فلسفی و کلامی انجام شد.

یافته‌ها: رابطه معناداری بین انگاره جبر و اختیار با سلامت روانی و سبک زندگی برقرار است. همچنین رابطه معکوس بین مفهوم صحیح برآمده از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) در مسأله سعادت و نحوست ایام با اختلال ناامیدی و افسردگی وجود دارد.

نتیجه‌گیری: پس از بررسی کاربرد سعد و نحس در آیات و روایات می‌توان چنین بیان کرد که سعد و نحس بودن مربوط به خود روزگار نیست. بلکه می‌توان دو صورت را برای مسعود یا منحوس بودن روزگار بیان کرد: نخست، آن نشان از اعمال و اتفاقاتی است که در روزگاری خاص اتفاق افتاده و سبب مبارک و نامبارک شدن آن شده است. به این معنا که در هر روز و شبی که نافرمانی از دستورات الهی صورت پذیرفته باشد آن روز یا شب نحس خواهد بود و اگر اطاعتی از دستور الهی انجام پذیرد آن روز یا شب مبارک و سعد می‌شود. دوم، هر فرد به نسبت اتفاقی که در روز یا شبی خاص برای او پیش می‌آید آن روز یا شب برای آن فرد سعد یا نحس است. به این معنا که اگر عذاب الهی بر او نازل شود نحس و اگر رحمت الهی نازل شود سعد خواهد بود. بنابراین برخی از اشارات به سعد یا نحس بودن روزگار جنبه تربیتی دارد و برای توجه داشتن انسان‌ها و عبرت‌گیری از حوادث گذشته است.

کلیدواژه‌ها: سعد، نحس، روایت، تفأل، تطییر، سبک زندگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

*نویسنده مسئول: alinejad@atu.ac.ir

مقدمه

انسان در مسیر شناخت جهان از ابزار گوناگون استفاده می‌کند و بر اساس شناختی که از طرق گوناگون به دست می‌آورد سعی می‌کند که بهترین زمان را برای فعالیت‌های خود انتخاب کند و با پیش‌بینی وضعیت جهان، خویش را در بهترین موقعیت قرار دهد و از خطرات پیش‌رو حفظ کند. خداوند نیز عموم انسان‌ها را در این مسیر یاری می‌فرماید و ابزار گوناگون شناخت و قدرت تفکر و تحلیل داده‌ها را در اختیار آنان قرار داده و علاوه بر اینها معصومان (ع) را نیز مأمور به یاری انسان کرده و آنان نیز با استفاده از منابع وحیانی حقایقی از جهان هستی را به انسان‌ها معرفی کرده‌اند. از جمله حقایقی که در روایات منقول از معصومان (ع) به آنها اشاراتی رفته است، مسأله مسعود یا منحوس بودن ایام است. روشن است که این آگاهی‌بخشی‌ها - در صورت صحت انتساب به ایشان (ع) - نسبت به سعادت و نحوست ایام ثمره عملی داشته و به معنای آن است که آنان مخاطبان خویش را تشویق کرده‌اند که اعمال با اهمیت را در ایام مسعود انجام دهند و از انجام آن اعمال در ایام منحوس خودداری کنند.

با گذشت ایام و افزایش امکان ارتباط میان جوامع و مشاهده موفقیت‌های به دست آمده در ایام منحوس از سوی برخی جوامع و مصائب پیش‌آمده برای برخی دیگر در ایام مسعود سؤالاتی را نسبت به مدلول تشویق‌ها و تحذیرهای منقول از معصومان (ع) که نسبت به انجام اعمال در ایام مسعود و انجام ندادن اعمال در ایام منحوس شده است در ذهن مخاطبان احادیث معصومان (ع) به وجود آورده است.

تا پیش از این مقالاتی درباره سعد و نحس ایام به رشته تحریر درآمده است. مانند: «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعد و نحس ایام» نوشته رسول جعفریان؛ «سعادت و نحوست ایام» نوشته سید جواد ورعی؛ «تأملی در واژه قرآنی «ایام الله» بی‌نام؛ «ایام الله در قرآن» نوشته محمدجواد سعدی شاهرودی که نوعاً سعد و نحس دانستن ایام را از جهت اجتماعی آن بررسی کرده‌اند. اما در هیچ یک از این مقالات مدلول روایاتی که در آنها به مسعود و منحوس بودن ایام اشاره شده است از جهت صحت و سقم بررسی نشده است. پاسخ اصلی در برخی از این پژوهش‌ها عدم صحت انتصاب این باورها به معصومان (ع) و برآمدن آنها از شرایط محیطی است. اما با توجه به اینکه در قرآن کریم نیز به نحس بودن اشاره شده است ضروری می‌نمایاند که در مقاله‌ای علمی پژوهشی محتوای این روایات بررسی شود.

مواد و روش‌ها

این مطالعه توصیفی-تحلیلی از محل بررسی آیات ۱۶ سوره مبارکه فصلت، ۱۹ قمر، ۳ دخان و ۳۵ رحمن در تفاسیر معتبر شیعه به‌ویژه تفسیر المیزان علامه طباطبائی و نیز مراجعه به منابع روایی و متون فلسفی و کلامی انجام شد.

وصف روز و شب در قرآن کریم: روز و شب، در قرآن کریم به نحس بودن (فصلت/ ۱۶؛ القم/ ۱۹) و مبارک بودن (الدخان/ ۳) وصف شده‌اند.

۲) سعد و نحس ایام در اصطلاح: نحوست روز یا مقداری از زمان به این معناست که در آن زمان به غیر از شر و بدی حادثه‌ای رخ ندهد، و اعمال آدمی - یا حداقل نوع مخصوصی از اعمال - برای صاحب عمل برکت و نتیجه خوبی نداشته باشد، و سعودت روز درست بر خلاف این است.

یافته‌ها:

۲-۱) دیدگاه اسلام درباره سعد و نحس ایام در باب حقیقت داشتن یا دروغ بودن مسأله مسعود و منحوس بودن برخی از روزها از منظر شریعت مقدس اسلام و اینکه آیا اوضاع ستارگان در این مسأله اثرگذار بوده یا خیر، روایات فراوانی در دست است که وجود مسأله سعد و نحس را پذیرفته در مواردی اُوامر و نواهی در این خصوص از معصومان(ع) نقل شده است، مانند روایتی که صاحب رساله الذهبیه در کتاب خود از امام رضا(ع) نقل کرده که فرمودند: «بدان که جماع با زنان در وقتی که قمر در برج حمل (فروردین) و یا برج دلو (بهمن) است بهتر باشد و از آن بهتر، وقتی است که قمر در برج ثور (اردیبهشت) باشد که شرف قمر است» (۱۴). نیز در بحارالانوار از نوادر و او به سند خود از حمران از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: «کسی که مسافرت یا ازدواج کند در حالی که قمر در عقرب باشد، هرگز خوبی نخواهد دید...» (۱۵). یا احادیث فراوانی که تحت عنوان «اختیارات الایام» که در جوامع حدیثی و روایی ذکر شده‌اند و هر یک خود موید و مبین سعد و نحس بودن ایامی خاص از سال هستند که ذکر همه آن روایات در این مقال نمی‌گنجد و البته این خود غیر از نظر شرع درباره این مسأله است و همچنین باید یاد کرد قرآن کریم در این خصوص را نیز به این موارد افزود که فرموده: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ» (۱۶) و در جایی دیگر: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامِ نَحْسَاتٍ» (۱۷) که هر دو درباره قوم عاد است یا در مقابل، نامی هم از زمان سعد در قرآن آمده و فرموده: «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكِ» (۱۸). برخی از مفسران نیز همچون عیاضی و طبرسی و چندی دیگر ذیل تفسیر این آیات، با نقل از امام باقر(ع) زمان نزول عذاب مورد اشاره در آیات سوره فصلت و قمر را روز چهارشنبه‌ای دانسته‌اند که آخر ماه بوده است و روایات بسیار دیگری که بنابر تفحص محققان حدیثی؛ خالی از ضعف نبوده یا مرسل و بدون سند هستند (۱۹). اما برخی از آنان دارای سند معتبر بوده خالی از اعتبار نیز نیستند (۲۰). و دسته‌ای دیگر از روایات که به ظاهر در مقام مخالفت با عقیده سعد و نحس بر آمده‌اند اما مبین خلط شدن ساحت حقیقت و خرافات در این عرصه بوده این دست روایات صرفاً در برابر نوع خرافی سعد و نحس صادر شده‌اند.

۲-۲) بررسی مدلول روایات سعد و نحس ایام مرحوم علامه طباطبایی یادآور می‌شود که مرکب عقل در رد یا تأیید حقانیت سعد و نحس عاجز است و نمی‌تواند آن را محال انگاشته و نادیده بگیرد. چنانکه حکیم متأله بوعلی سینا بیان می‌کند «کَلِمًا قَرَعِ سَمْعَكَ مِنَ الْعَجَائِبِ فَذَرِهِ فِي بَقْعَةِ الْإِمْكَانِ» (۲۱). از همین رو نمی‌توان بر سعودت روزی از روزها یا زمانی خاص یا نحوست آن اقامه برهان کرد، زیرا طبیعت زمان از نظر مقدار،

۱-۱) واژه‌شناسی نحس: از ریشه نحس یعنی «ن ح س» به ترتیب مصحف شریف سه بار به صورت‌های «نَحْسَات، نَحْس و نَحْسًا» (فصلت/ ۱۶؛ القمر/ ۱۹؛ الرحمن/ ۳۵) استفاده شده است. فراهیدی «نَحْس» را در معنا خلاف سَعْد می‌داند (۱). که از ریشه «ن ح س» است و بر سکون حاء، هم به صورت اسم و هم به صورت مصدر استفاده می‌شود. اسم فاعل نَحْس، «ناحس» است و جمع آن بنا بر اصل، «نواحس» و اسم مفعول از آن «منحوس» (نَحْسَ هُوَ مَنحُوسٌ) است. «نَحْس، نَحْس، نَحْس، نَحْس، نَحْس، نَحْس، نَحْس، نَحْس» است. «نَحْسَات» جمله‌گی لغت ثقیل‌اند و چنانکه برخی اشاره کرده‌اند «مَنْ جَعَلَهُ نَعْتًا تَقَلُّهُ وَ مَنْ أَضَافَ الْيَوْمَ إِلَى النَّحْسِ خَفَّفَ النَّحْسَ» (۲). اما در اصل مصدر بر وزن (فَعَلَ)، ثلاثی مجرد، صحیح و سالم است. ماضی آن «نَحَسَّ» مضارع آن «يُنَحِّسُ» و صفت آن «نَحِيسٌ» است. ابن درید «المشائم» را جمع غیر قیاسی آن می‌داند (۳). نحس را به فارسی، شوم و بد اختر، نامبارک و نامیمون، و نافرجام و بد شگون گویند. اصل واحد در ماده این کلمه، نامبارکی و نژندی است (۴). در زبان عربی همان‌طور که اشاره شد آن را خلاف سعد می‌دانند و به نظر می‌رسد اینکه برخی لغویان روزی را که در آن گرد و غبار بسیار است را «نَحْس» گفته‌اند. از این جهت است که آن را نامبارک می‌دانستند.

واژه شناسی سعد: مصدر، بر وزن (فَعَلَ) ثلاثی مجرد، صحیح و سالم است. ماضی آن سَعَدَ، مضارعش يَسْعُدُ است. سعد را به فارسی، نیک بختی و همایونی گویند. اصل واحد در ماده این کلمه، میمنت، سرور و مبارکی و شگون است. ابن فارس (م ۳۹۵هـ) بر همین پایه سعد را، السین و العین و الدال، اصلُ يدلُّ علی خیر و سرور و اَلْئَمْنُ فِي الْأَمْرِ نامیده (۵). خلیل بن احمد (م ۱۷۵هـ) سعد را موفقیت و مساعدت و یاری در پیروزمندی گفته است (لیبک و سعیدیک أعنی لیبک و مساعده لأمرک بعد مساعده و أسعد الله العبد و سعده أعنی وفقه الله لما یرضیه) (۶). ازهری (م ۳۷هـ) نیز سعد را ضد النحس و هو إدراک الحاجه بلا مشقه، نیز اصل سعد را از إسعاد بمعنی لزوم لتابعه و الإجابة آورده ، مابین الزندین و المرفق را بر همین اساس ساعد در معنای مساعدت (مساعده الكف إذا بطشت شيئاً أو تناولته) دانسته است (۷). ابن منظور در ترجمان سعد، مرتفع الباطل آورده (۸) راغب «إسعاد» را فی البکاء خاصه بیان داشته است (۹). در برابر نحوست، سعودت آمده، سعادت اسمی از سعد بوده که خلاف شقاوت معنا می‌دهد (۱۰). راغب بدون قائل آمدن هرگونه تمیز بین سعادت و سعودت، آن را - سعادت - در برابر شقاوت عنوان می‌دارد (۱۱). عرب از ریشه سعد، واژگان بسیاری بر ساخته، از جمله گیاهی که خوردنش ستور را فربه و شیرش را زیاد می‌کند السعدان (نبت یغزر اللبَن) نام داشته کیوتر، گره بند کفش و سپیدی سینه شتر را السعدانه، گفته است (۱۲). السَّوْد و السَّوْدُ، نیز به معنای ستارگان دهگانه معروف بوده که هر کدام از آنها ستاره سعد اطلاق شده سعدین دو ستاره زهره و مشتری (سعد اصغر و سعد اکبر) از آنهاست که قران سعدین نیز خود به معنای نزدیک شدن این دو ستاره بهم است. سعد الذابح (منزل بیست و دوم قمر) منزل من منازل القمر کوبان نیران نامیده شده است (۱۳).

مرت علی أمم الانبیاء السابقین و کیف نجا المومنون و هلک الکافرون، أو ذکرهم بنعم الله علیهم فی اخراجهم من أسر فرعون و قهره و ... و غیر ذلک من النعم...» (۲۳)
آثار روان‌شناختی

از همین رو نحس شمردن ایام نزول عذاب، موجب استحکام بخشیدن به روحیه تقوی شده وقتی افرادی صرفاً به جهت اینکه در این ایام بت شکنان تاریخ، همچون حضرت ابراهیم(ع) و امام حسین بن علی(ع) گرفتار دست بت‌های زمان خود شده‌اند، دست به کاری نمی‌زنند و از اهداف و لذت‌های خویش چشم می‌پوشند چنین افرادی به واقع روحیه و قوای دینی‌شان مستحکم می‌شود و برعکس، اگر مردم هیچ حرمتی برای چنین ایامی قائل نباشند و اعتنا و اهتمامی بدان روزها نوزند و افسار گسیخته سرگرم کوشش در برآوردن خواسته‌های نفسانی خود باشند هر چند به ظاهر در برآورده شدن حوائج خود به مشکل بر نخورند، بی‌شک احتمال آن می‌رود که بدون توجه به اینکه امروز چه روزی است و دیروز چه روزی بوده چنین مردمی از حق رویگردان خواهند بود و به آسانی می‌توانند حرمت دین را هتک کنند و اولیای دین را از هدایت خود نومید سازند توضیح آنکه نحوست ایام، از آن جهت که به نوعی با شقاوت‌های معنوی ارتباط دارد و چنان که گذشت خود از علل و اسبابی دیگر منشأ می‌گیرد و نیز اینچنین است مقام عکس نحوست در مورد سعادت ایام لذا فراموش کردن عذاب یا فضل الهی که در آن روزگار بر مردم نازل شده و عدم عبرت‌گیری از آن حوادث خود نوعی شقاوت است.

در حدیث معروف «سهل ابی نواس» که امام(ع) در پاسخ به او در مورد نحوه مصونیت از نحوسات فرمودند: «شعیبان ما همان ولایتی که از ما در دل دارند حرز و حصنشان است» و آنگاه امر به دعا و توسل و دیگر امور کردند. همه این موارد عواملی تقویتی جهت دل قوی داشتن و استحکام قوای نفس است. یعنی می‌خواهد بفرماید اگر قوت قلبت به این حد هست که اعتنایی به نحوست ایام نکنی که چه بهتر و اگر چنین قوت قلبی نداری دست به دامن خدا شو و قرآنی بخوان و دعایی بکن(۲۴).

در مخلص کلام آنجا که نحس انگاری ماحصل پندار غلط و غیر حقیقی بشر بوده بدان جهت که همین عقیده به سبب تاثیرگذاری قوای نفسانی کارگر می‌شود، معصوم(ع) آن را نوعی تطییر بیان داشته به شدت از آن نهی می‌فرماید چندانکه مشوق به بی‌اعتنا بودن نسبت به این امور می‌شود، لیکن در مواردی که نحسی یا سعدی حقیقت داشته امری موهوم و خیالی نباشد، معصوم(ع) دستور به دل قوی داشتن و رفع این شئام‌ها از طریق توکل، توسل و پرداخت صدقه و دیگر امور می‌دهد و سر آخر اقتضا، نگاه توحیدی در این مساله است که در همیشه اوقات قائل به «فعال لما یشاء» بودن خداوند باشیم و ید الله را در مورد هیچ مقدری مغلوله نینگاریم. زیرا در غیر اینحال دچار شرک شده اسباب را مسبب فرض می‌آوریم و خود مشمول روایات و احادیث نهی از این دست امور می‌شویم.

تیجه‌گیری

طبیعتی است که اجزا و أبعاضش مثل هم و حقیقتی یکپارچه‌اند و به همین جهت راهی بر انکار سعادت و نحوست از مسیر عقلی نیست هر چند که به گفته علامه طباطبایی وجود چنین چیزی بعید است، ولی بعید بودن غیر از محال بودن است.

در بسیاری از روایات که ایام نحس را بر می‌شمرند علت این نحوست نیز ذکر شده و آن حوادث ناگواری است از مذاق دین که به وقوع پیوسته و سبب شومی و مبارکی روزها شده است. یعنی منحوس یا مسعود بودن ایام از منظری ریشه در اتفاقاتی دارد که در آنها روزها واقع شده‌اند. مثل آنکه روز بیست و هفتم ماه رجب روز سعد و مبارکی است. زیرا بعثت خاتم الانبیاء(ص) در آن روز واقع شده یا شئامت بیست و هشتم ماه صفر بدان خاطر است که پیامبر اکرم(ص) در آن روز دیده از جهان فروبسته و موارد دیگر راجع به لیل القدر یا قوم عاد که کریمه «ایام نحسات» و «یوم نحس مستمر» بدان جهت نازل شدند که قوم در آن روز هلاک شدند، لذاست که نحوست آن در اثر نزول عذاب بوده نه این که علت خاصی در زمان وجود داشته از حیث زمان بودن و آنکه ذات روز شوم دانسته شود.

توضیح آنکه یک روز نحس - که نحوستش را به خاطر وقوع فلان حادثه یافته بود - با گردش هفته‌ها و سال‌ها مقارن اتفاق مبارک و مسعودی دیگر گردد به این معنا که بسا یک روز بر یکی سعد بوده و بر دیگری نحس باشد و از آنجا که هر نعمت یا نعمتی موجب سعد و نحس شمرده شدن ایام نشده بلکه نعمت عظیم و نعمت کبری موجب چنین امری را فراهم می‌سازد، لذا هر روزی که نعمت بزرگی از جانب خدا تفضل شود آن روز سعد شمرده شده است. مثل حادثه غدیر خم و بعثت پیامبر اکرم(ص) و ایام ولادت این خاندان(ع) و امثال این دست مناسبت‌ها و هر روز که بلای عظیمی در آن فرود آمده، آن روز نحس بوده است و دیگر آنکه می‌توان گفت یک روز بر اهل عبادت و طاعت سعد بوده و بر اهل معاصی و طغیان نحس بشمار می‌آمده است و چنین است امر «ایام الله» که آن اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و روشنایی و درخشش فوق العاده‌ای دارند و نسبت دادن ایام مخصوص به خدا با آنکه همه ایام و همه موجودات از مخلوقات خدا هستند به خاطر حوادث ویژه‌ای است که در آن ایام مخصوص رخ داده و امر خدای تعالی را ظاهر ساخته است. چنانکه این حقیقت را می‌توان از برخی روایات برداشت کرد. برای مثال آنجا که امام علی(ع) می‌فرماید: «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ» (۲۲). به این مسأله اشاره شده است. یعنی مبارک بودن یا نامبارک بودن یک روز بستگی به اعمال فرد در آن روز دارد. همانطور که مرحوم علامه طباطبائی بیان می‌کند که مقصود از ایام الله آن زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده یا ظاهر می‌شود مانند روز مرگ یا امثال ایامی که قوم نوح و عاد و ثمود در آن ایام به هلاکت رسیده‌اند زیرا این روزهای خاص روزهایی هستند که قهر و غلبه الهی در آن ظاهر شده و عزت خدایی خودنمایی کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد دلیل اهمیت یادآور شدن ایام الله، به واقع همان ذکر نعمت‌های عظم و نعمت‌های کبر است و دلایل نزول آنها که اعمال شایسته یا عصیان‌های قبیح انسان‌ها است، بوده و نه خاصیتی در ذات روزی خاص. «و عظمهم بأیام الله، أی بوقائع الی

18. S Dokhan:(2-3)
19. Tabataba'i. M. Al'mizan fi tafsir Al'Qran. Beyrot. Moassesa Al'aylamiya lelmatboyat. 1970: (19): 116-117.
20. Tabataba'i. M. Al'mizan fi tafsir Al'Qran. Beyrot. Moassesa Al'aylamiya lelmatboyat. 1970: (19): 116-117.
21. Ebn' Sina H. Esharat & Tanbihat. Gom. Bostan' Ketab. 1423: 204
22. Sayed Razi M. Nahj 'Albalagheh. (Hekmat 428)
23. Tayeb Esfahani A. Atyab'Albayan. Tehran. Eslam. 1375:(11): 422
24. Tayeb Esfahani A. Atyab'Albayan. Tehran. Eslam. 1375:(12): 355

۱- روایات موجود در منابع برای توجه دادن به عبرت‌گیری از حوادث و رخدادهایی است که برای اقوام گذشته اتفاق افتاده و جنبه تربیتی دارند و به معنای موجود نحس بودن ذات روزهایی خاص از سال نیستند.

۲- گاه روایات دال بر نحس یا سعد بودن ایام به جنبه روان شناختی (تفأل و تطیر) توجه شده است. با این توضیح که در علوم روانشناختی اثربخش بودن تلقین در عمل کرد انسان‌ها به اثبات رسیده و ائمه(ع) با اشاره به سعد یا نحس بودن سعی در آگاه‌سازی افراد در این حوزه داشته‌اند.

References

1. Farahidi Kh. Ketab Al'eyn. Gom Nashr hejrat. 1988: (3): 144. (in Arabian)
2. Azhari M. Tahzib Al'loghah. Beyrot. Dar Ehya Al'torath Al'arabi. 2000 (4): 185.
3. Zobeydi M. Taaj Al'aroos. Beyrot. Dar Alfekr. 1414: (9): 5-7. (in Arabian)
4. Dekhoda A. Loghat Nameh. Tehran. 1373: (13): 19771.
5. Ebn' Fares. A. Moyjam magayyis Al'loga. Gom. Maktab Al'aylam Al'eslami. 1984. 459.
6. Farahidi Kh. Ketab Al'eyn. Gom. Nashr hejrat. 1988: (3): 214. (in Arabian)
7. Fayyomi A. Mesbah Almonir. Gom. Dar Alhejrah. 1405: (1-2): 276-277.
8. Ebn' Manzor. M. Lesan Al'arab. Beyrot. 1993 :(6): 262.
9. Ragheb H. Mofradat Alfaz Quran. Tehran. Mortazavi. 1372: 238.
10. Firoz Abadi M. Ghamos Almohit. Beyrot. Dar Ehya Al'torath Al'arabi. 1424: 275
11. Ragheb H. Mofradat Alfaz Quran. Tehran. Mortazavi. 1372: 238.
12. Ragheb H. Mofradat Alfaz Quran. Tehran. Mortazavi. 1372: 238.
13. Khorī S. Aghrab Almavared. Gom. Maktab Ayat'Allah Mar'Ashi Najafi. 1403: (1): 516.
14. Majlesi M. Behar Al'anvar. Tehran. Altoor Lelnashr. 1411: (58): 268.
15. Tabataba'i. M. Al'mizan fi tafsir Al'Qran. Beyrot. Moassesa Al'aylamiya lelmatboyat. 1970: (19): 123.
16. S Ghamar: (19)
17. S Foselat: (16)